

دامگه شیطان

تحلیل خارجیگری، آشوب‌خوارج، جنگ‌نهر و ان

دامگه بنهج البلاغه

مصطفی دلشاد تهرانی



انتشارات دریا

تهران، میرداماد، میدان مادر، خیابان شاه‌نظری
خیابان سپاهان، شماره ۲۶ - تلفن: ۲۳۳۰۲۶۷

دامگه شیطان: تحلیل خارجیگری، آشوب خوارج، جنگ نهروان با تکیه بر نهج البلاغه

مؤلف: مصطفی دلشاد تهرانی

ویراستار: حسن رفعتی

حروف چین و صفحه‌آرا: محمد ملک‌زاده • طراح جلد: الهه باقری

چاپ و صحافی: روز

نوبت چاپ: چاپ اول، پاییز ۱۳۹۴

شارکن: ۵۰۰ نسخه • قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۳-۴۱-۴ ISBN: 978-964-713-41-4

سرشناسه	: دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۳۴ -
عنوان قراردادی	: نهج البلاغه، فارسی - عربی، برگزیده، شرح
عنوان و نام پدیدآور	: دامگه شیطان: تحلیل خارجیگری، آشوب خوارج، جنگ نهروان با تکیه بر نهج البلاغه / مصطفی دلشاد تهرانی.
مشخصات نشر	: تهران: دریا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۸ ص.
شابک	: 978 - 964 - 713 - 41 - 4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: [۱۸۵] - ۱۹۸: همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - نقد و تفسیر
موضوع	: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - خوارج
موضوع	: خوارج
موضوع	: جنگ نهروان، ۳۸ ق.
شناسه افزوده	: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. شرح
رده‌بندی کنگره	: BP ۳۸ / ۰۸ / ۵۸ د ۲ ۱۳۹۴
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۲۹۲۸۴

فهرست مطالب

۹	دیباچه
۱۱	۱. جایگاه و اهمیت بررسی تاریخی خوارج و جنگ نهروان
۱۴	۲. نهج البلاغه و مؤلف آن
۱۹	۳. روش های مطالعه و تحقیق نهج البلاغه
۲۲	۴. روش تألیف کتاب حاضر
۲۵	۵. عنوان کتاب
۲۷	شکل گیری خوارج
۲۹	۱. ظهور و بروز خوارج
۳۱	۲. فتنه خوارج
	۳. تحلیل تأثیر گذاشتن نیرنگ بر سر نیزه شدن قرآن ها و اصرار بر پذیرش حکمت
۳۵	
۳۶	۱-۳. ضعف شعور سیاسی
۳۷	۲-۳. طولانی شدن جنگ
۳۸	۳-۳. بسیاری کشته شدگان
۴۰	۴-۳. میل به ماندن و ترس از رفتن

- ۴۲ ۵۳. نقش عوامل نفوذی
- ۴۳ ۴. تحلیل پذیرش حکمیت از جانب امام علی (ع)
- ۴۳ ۱-۴. حفظ وحدت و اجتناب از جنگ داخلی
- ۴۵ ۲-۴. احترام به انتخاب
- ۴۹ ویژگی‌ها و پایه‌های اعتقادی خوارج
- ۵۱ ۱. ویژگی‌های خوارج
- ۵۱ ۱-۱. نابخردی
- ۵۴ ۲-۱. بی‌بیرتی
- ۵۷ ۳-۱. تعصب بجاری و ستیزه‌گری
- ۵۹ ۴-۱. جمود و خشک‌نغزی
- ۶۱ ۵-۱. کج‌فهمی و بدفهمی
- ۶۳ ۶-۱. جهالت و نادانی
- ۶۶ ۷-۱. تنگ‌نظری و کوتاه‌بینی
- ۶۸ ۸-۱. ظاهربینی و قشریگرایی
- ۶۹ ۹-۱. مبارزه‌گری و فداکاری
- ۷۱ ۱۰-۱. ته‌زور و بی‌باکی
- ۷۲ ۱۱-۱. تنسک و عبادت‌پیشگی
- ۷۵ ۱۲-۱. خودپسندی و خودشیفتگی
- ۷۷ ۱۳-۱. تندروی و افراط‌گری
- ۷۹ ۱۴-۱. شرارت‌طلبی و خشونت‌ورزی
- ۷۹ ۲. پایه‌های اعتقادی خوارج
- ۸۰ ۱-۲. کفر شمردن پذیرش حکمیت
- ۸۲ ۲-۲. تکفیر همگان جز مانند خودشان
- ۸۲ ۳-۲. مهدور الدم شمردن مخالفان خود
- ۸۳ ۴-۲. قائل بودن به پیوند اعتقاد و عمل در ایمان
- ۸۴ ۵-۲. وجوب بلا شرط شورش بر والی و پیشوای ستمگر

۸۷	جنگ نهروان
۸۹	۱. سومین جنگ
۸۹	۲. عملکرد خوارج و رفتار امام علی (ع) با آنان تا پیش از جنگ
۹۱	۱-۲. مبانی روش رویاروی امام علی (ع) با خوارج
۹۱	۱-۲. ۱-۱. ارشاد به جای اجبار
۹۱	۲-۱. ۲-۲. تبیین به جای تحمیل
۹۳	۳-۱. ۳-۲. راهنمایی به جای خودکامگی
۹۵	۴-۱. مذاکره و مدارا به جای قهر و خشونت
۱۰۱	۵-۱. ۵-۵. واقع‌گویی به جای تکفیرگری
۱۰۱	۶-۱. ۶-۲. استدلال بر کتب و سنت به عنوان مرجع اختلافات
۱۰۳	۲-۲. رویارویی خوارج با امام علی (ع)
۱۱۳	۳. گفتگوهای اولیه با آیندگان امام (ع) با خوارج
۱۱۵	۴. آماده شدن خوارج برای پیکار / موضع امام علی (ع) در برابر آنان
۱۲۷	۵. حضور امام علی (ع) در اردوگاه خوارج
۱۳۰	۶. تصمیم امام علی (ع) برای نبرد دوباره با قاسطین
۱۳۷	۷. حرکت امام علی (ع) به سوی صفین
۱۳۹	۸. حرکت سپاه امام علی (ع) به سوی نهروان
۱۴۳	۹. نفی باورهای نادرست
۱۴۶	۱۰. رویارویی دو سپاه
۱۵۲	۱۱. نبرد با خوارج
۱۵۵	۱۲. فرو نشستن نبرد با خوارج
۱۵۷	۱۳. سیاست امام علی (ع) درباره زخمیان، غنیمت‌ها و باقیماندگان خوارج
۱۵۷	۱۴. جنگ نهروان در چشم‌انداز آمار
۱۶۱	شورش باقیماندگان خوارج
۱۶۳	۱. شورش اشرس بن عوف شیبانی
۱۶۴	۲. شورش هلال بن علقه

- ۱۶۴ ۳. شورش أَثْهَب بنِ بَشْر (أَشْعَث بنِ بَشْر)
- ۱۶۵ ۴. شورش سعید بن قُفْل تَمیمی
- ۱۶۵ ۵. شورش ابو مریم سَعْدی تمیمی
- ۱۶۶ ۶. شورش خِرَیْت بنِ راشد

- ۱۷۵ نمایه
- ۱۸۳ منابع و آخذ

www.ketab.ir

۱. جایگاه و اهمیت بررسی خارجگیری، آشوب خوارج و جنگ نهروان

ماجرای شکل‌گیری خوارج و عملکرد آنان از موضوعات مهم و اساسی تاریخ صدر اسلام و حکومت اموی (ع) است.

شکل‌گیری رسم خوارج در اوج پیکار صفین و رویارویی تمام‌عیار سپاه عراق به فرماندهی امام علی (ع) و سپاه شام فرماندهی معاویه بود؛ آن هنگام که قرآن‌ها به حيله عمرو بن عاص و معاویه بر سر نیزه‌ها شد و جمعی بسیار از سپاه عراق خواهان توقف نبرد در آستانه پیروزی شدند و کارنبرد را به شامیان تحمیل کرده بودند و چاره‌ای جز به پایان بردن آن نبود به بدترین وجه ممکن متعسف کردند؛ و پس از آن حکمیت پیش آمد و این گروه نظر امام را نپذیرفتند و حکم پیشنهادی خرد یعنی ابوموسی اشعری را به امام تحمیل کردند و کار حکمیت را نیز به بدترین صورت ممکن ختم نمودند. ولی همینان بعد از نوشته شدن پیمان ترک جنگ و مخاصمه، پشیمان شدند و از امام خواهان نقض آن گشتند و چون امام پیمان‌شکنی را نپذیرفت، اعلام جدایی کردند و کسانی که سپاه عراق در بازگشت از صفین به نزدیک کوفه رسید، به‌طور رسمی از سپاه امام جدا شدند و در روستایی به نام حروراء اقامت گزیدند. پس از آن به کوفه درآمدند و به فرماندهی برای مخالفت و مقابله با امام و حکومت وی پرداختند.

خوارج در ابتدا امام را تکفیر کردند و با سردادن شعارهای تند به مخالفت با او و حکومتش واکنش نشان دادند. آنان تحت شعار امر به معروف و نهی از منکر به تبلیغ عقاید خود پرداختند و رفته رفته اقدامات تندتری نشان دادند: تکفیرگری، برهم زدن مجلس سخنان امام و دشنام دادن به وی در جمع مردمان، خشونت‌ورزی و تهدید علنی به کشتن وی.

در تمام این مدت هرچه خوارج تندی می کردند و زشتی می نمودند، امام با آنان مدارا می کرد و حقوق مدارانه رفتار می نمود. جمعیت خوارج رو به فزونی گذاشت و آنان گروهی دیگر را نیز جذب خود کردند، ولی امام آزادی آنان را سلب نکرد. خوارج به سرعت به سوی براندازی حکومت امام گام برداشتند.

مدارای امام و رفتار حقوق مدارانه وی سبب شد که بخشی عمده از خوارج خود را کنار بکشند و جمعی حدود چهار هزار نفر تصمیم به جنگ با امام گرفتند. این گروه مقابله با امام را با بوده کردن دست خود به خون بی گناهان آغاز کردند و کسانی چند را پس از تفتیش عقاید کشتند. امام که با سپاه خود عازم صفین بود، با شنیدن اخبار ترورهای خوارج ناچار به بازگشت به سوی آنان شد. خوارج با اعلام جنگ در منطقه نهر روان اردو زدند. امام به سوی آنان رفت. به تندی به اردوی خوارج وارد شد و با آنان سخن گفت. جمعی بسیار از چهار هزار نفر که برای جنگ آمده بودند از خوارج جدا شدند. عده کمی باقی ماندند که شعارشان قتل و جنایت بود. امام اجازه آغاز نبرد با آنان را نداد تا این که خوارج باقیمانده به سپاه امام حمله آوردند. امام اجازه دفع آنان را داد و در مدتی کوتاه غائله ختم شد و خوارج تار و مار گشتند. ولی خارجیان با مجموعه ای شاخصه شکل گرفته بود و باقی ماند.

هرچند خوارج در میدان نهر روان از صحنه رفتار سحرآمیز شدند ولی جمعی با تمیزات خارجگیری بقا یافتند و تفکر و راه و رسم خوارج را ادامه دادند.

امام علی (ع) در این باره هشدارهای اساسی داده است؛ آن گاه که خوارج در جنگ نهر روان از پا درآمدند، گفته شد: ای امیرمؤمنان! همگی کشته شدند. امام فرمود:

«كَلَّا! وَاللَّهِ إِنَّهُمْ نُطْفَ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ قَرَازَاتِ النِّسَاءِ، ثُمَّ نَجَمَ مِنْهُمْ قَوْمٌ قُطِعَ حَتَّى يَكُونَ آخِرُهُمْ لُصُوصًا سَلَّابِينَ»^۱

هرگز! به خدا سوگند که آنان نطفه هاینده در پشت مردان و زهدان های زنان، هرگاه مهتری از آنان سر برآرد، از پایش درآندازند، چندان که آخر کار مال مردم ربایند و دست به دزدی یازند.

موضوع خوارج و اندیشه و راه و رسم آنان، و نیز رفتارشناسی امام درباره ایشان از

موضوعات مهم تاریخی، کلامی و فقهی بوده و از سده‌های نخست آثاری مستقل در این باره نگارش شده که از این آثار جز نامی در کتاب‌های فهرست و رجال و تراجم باقی نمانده است، هرچند که بخشی از مطالب آن‌ها به منابع بعدی منتقل شده و به این وسیله باقی مانده است. از جمله مؤلفانی که درباره خوارج تألیفی داشته‌اند عبارت‌اند از:

۱. ابو مخنف لوط بن یحیی آزدی (درگذشته به سال ۱۵۷ هجری)^۱
 ۲. ابو عبد الرحمن هیشم بن عدی ثعلبی (درگذشته به سال ۲۰۷ هجری)^۲
 ۳. ابو عبیده معمر بن مثنای ثیمی (درگذشته به سال ۲۰۹ هجری)^۳
 ۴. ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله بن ابی سیف مدائنی (درگذشته به سال ۲۲۵ هجری)
 ۵. ابو عبدالله احمد بن محمد بن سیار بصری (درگذشته به سال ۲۶۰ هجری)^۵
 ۶. ابواحمد عبدالرزاق بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی بصری (درگذشته به سال ۳۳۲ هجری)
 ۷. ابن ابی جهم قابوسی، ابن عامر، منذر بن محمد بن منذر^۶
 ۸. ابوالحسن علی بن الحسین سعدی (درگذشته به سال ۳۴۶ هجری)^۷
 ۹. ابو عمر محمد بن احمد بن محمد بن اسماعیل (درگذشته به سال ۶۲۰ هجری)^۸
- از آثار یاد شده فقط کتاب اخبار الخوارج ابن قدامه باقی مانده است.
- نقل تاریخ به شدت آمیخته به کاستی‌ها و فزونی‌ها، و تحولات و جعلیات است؛ و در ماجرای خوارج گرایش‌های سیاسی و مذهبی و فرقه‌ای و باریز و گرایش‌های ضد علوی در تاریخ‌نگاری و نیز تسلط امویان و مروانیان بر دنیای اسلام و اسیان، سبب شده

۱. فهرست ابن ندیم، ص ۱۵۷.

۲. همان، ص ۱۶۷.

۳. همان، ص ۹۳.

۴. همان، ص ۱۷۰.

۵. ریحانة الادب، ج ۳، ص ۱۰۳.

۶. رجال النجاشی، ص ۴۱۸.

۷. الذریعة، ج ۷، ص ۲۶۹.

۸. علم تاریخ در اسلام، ص ۴۷.

است تا در این ماجرا دخل و تصرف‌های بسیار صورت گیرد. در رویکرد به مباحث تاریخی توجه به این امر ضروری است و برای فهم رویدادهایی که امیرمؤمنان علی (ع) در آن‌ها حضور داشته و دریافت تحلیلی درست از آن‌ها، آموزه‌های آن حضرت با محوریت نهج‌البلاغه بهترین منبع است.

۲. نهج‌البلاغه و مؤلف آن

نهج‌البلاغه بی‌تردید پس از قرآن کریم گرانقدرترین و ارزشمندترین میراث فرهنگی اسلام است. تألیف این اثر به سال ۴۰۰ هجری به دست ابوالحسن محمد بن حسین موسوی معروف به سید رضی و شریف رضی طی شانزده سال به پایان رسید. وی به سال ۳۵۹ هجری دیده بر جهان بست و به سال ۴۰۶ دیده بر جهان فرو بست. شریف رضی از برجسته‌ترین عالمان مسلمانان است که در عزت نفس و بلندنظری، سخاوت و بخشندگی، پایبندی به امور شرعی، پرهیز از تعلق به چایلوئی، پارسایی و پرواداری، آزادگی و عدالت‌خواهی در روزگار خود ممتاز شده است. بیش از ده سال از سن شریف رضی نگذشته بود که به سرودن شعر پرداخت و بیان قریحه‌ای از خود نشان داد که سابقه نداشت. هنوز بیستمین بهار زندگی را پشت سر گذاشته بود که در تمام معارف و علوم اسلامی سرآمد همگان شد، و در سرودن شعر به معافیت دست یافت که هیچ‌کس بدان مرتبه راه نیافت.^۱

سید رضی با وجود گرفتاری‌های بسیار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، و نیز مشاغل مهم و حساس و وقت‌گیری همچون نقابت طالبیان و امارت حج و وزارت دیوان مظالم،^۲ در عمر چهل و هفت ساله خویش آثاری بس مهم برجای گذاشت که در یک در نوع خود ممتاز و حائز اهمیتی بسیار است که البته برخی از آن‌ها به جای مانده و بیش‌تر آن‌ها از میان رفته و جز نام و نشانی از آن‌ها باقی نمانده است. در بین آثار شریف رضی نهج‌البلاغه مهم‌ترین و برجسته‌ترین آن‌ها است که هیچ کتابی پس از قرآن کریم و ولایی و شیوایی، و گرامی‌نگی و جاودانگی آن نمی‌رسد.

نهج‌البلاغه (راه روشن بلاغت) عنوانی است که سید رضی برای منتخبی از خطبه‌ها و

۱. یتیمه‌الذکر، ج ۳، ص ۱۵۵؛ الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۳۶۸.

۲. یتیمه‌الذکر، ج ۳، ص ۱۵۵؛ عمدة الطالب، ص ۲۳۷.

مواعظ، نامه‌ها و عهدنامه‌ها، و کلمات کوتاه و قصار امیرمؤمنان علی (ع) برگزیده است؛^۱ و این کتاب در فرهنگ اسلامی مانند آفتاب نیمروز می‌درخشد، و صدفی مشحون از گوهرهایی از حکمت‌های عالی است.^۲

شریف رضی چنان‌که خود در مقدمه نهج‌البلاغه توضیح داده است به سال ۳۸۴ هجری تألیف کتابی را آغاز کرد در خصائص و ویژگی‌های امامان شیعه که مشتمل بر خبرهای جالب و سخنان برجسته آنان بود و نام آن را «خصائص الأئمة» گذاشت. پس از گردآوری خصائص امیرمؤمنان علی (ع) مواعظ ایام و گرفتاری‌های روزگار وی را از تمام کردن باقی کتاب بازداشت. او آن کتاب را به باب‌ها و فصل‌هایی تقسیم کرده بود و در پایان آن فصلی را به سخنان کوتاه امام (ع) در زمینه مواعظ و حکم و امثال و آداب نقل شده از آن حضرت - به تنوع خطبه‌های بلند و نامه‌های مفصل - اختصاص داده و این مطالب را در آن فصل آورده بود. گرچه وی از دوستان او، این فصل را بسیار پسندیدند و از نکات بی‌نظیر آن دچار شگفتی شدند و از وی خواستند کتابی تألیف کند که سخنان برگزیده امام علی (ع) در همه رشته‌ها و شاخه‌های مختلف، از خطبه‌های آن حضرت گرفته تا نامه‌ها و مواعظه‌ها و آداب را دربرداشته باشد. شریف رضی یادآور شده است که آنان می‌دانستند این کتاب، دربردارنده شگفتی‌های بلاغی و نمونه‌های ارزنده فصاحت و گوهرهای ادبیات عربی و نکات درخشان از سخنان دینی و دنیوی خواهد بود که در هیچ کتابی جمع‌آوری نشده و در هیچ نوشته‌ای تمام جوانب آن گردآوری نگشته است، زیرا تنها امیرمؤمنان (ع) است که سرچشمه و آبشخور فصاحت و مناسبات و آفریدگار بلاغت است؛ گوهرهای نهفته‌اش به وسیله او آشکار، و آداب و آیینش از او آموخته شده است. تمام خطیبان و سخنوران به او اقتدا کرده و همه واعظان بلیغ از سخن او استفاده کرده‌اند. با وجود این، او همیشه پیشرو است و آنان دنباله‌رو، او مقدم است و آنان دنباله‌بر، زیرا سخنان آن حضرت رنگ علم الهی و عطر سخنان پیامبر را به همراه دارد.^۳

شریف رضی در مقدمه خود بر نهج‌البلاغه یادآور شده است که با چنین انگیزه‌ای خواسته دوستان را اجابت کرد و این کار بزرگ را آغاز نمود، درحالی‌که یقین داشت سود

۱. مصادر نهج‌البلاغه و آسانیده، ج ۱، ص ۸۷.

۲. در پیرامون نهج‌البلاغه، ص ۱۹.

۳. نهج‌البلاغه، مقدمه شریف الرضی، صص ۳۳-۳۴.

و نفع معنوی آن بسیار است و به زودی همه جا را تحت سیطره خود قرار خواهد داد و اجر آن ذخیره آخرت خواهد بود. او اضافه کرده است که بدین وسیله خواسته علاوه بر فضایل بی شمار دیگر، بزرگی قدر و شخصیت امیرمؤمنان (ع) را در فضیلت سخنوری نیز آشکار سازد، زیرا او تنها فردی است که از میان تمام گذشتگان که سخنی از ایشان به جا مانده، به آخرین مرحله فصاحت و بلاغت رسیده است، اما سخنان آن حضرت اقیانوسی است بی کرانه و انبوه گوهرهایی که هرگز درخشش آن کاستی نگیرد.^۱

سبک شریف رضی در تألیف نهج البلاغه دارای هفت ویژگی است:

گزینش؛ صحت صدور؛ ارسال حدیثی؛ بلاغت محوری؛ جامع نگری؛ غنای محتوایی؛ ناپوستی تا سی.

شریف رضی در تألیف خود به طور کامل گزینشی و با حذف اسناد روایات (ارسال حدیثی) عمل کرده و از مجموعه توزه‌های امام علی (ع) که در اختیار داشته نمونه‌هایی را براساس دید و ذوق سخن شناسانه، بیانه و زیبایی شناسانه خود برگزیده و از آن نمونه‌ها قسمت‌هایی را جدا کرده با علمی زیبا در کنار هم چیدمان بخشیده است. وی چنان که در مقدمه خویش بر نهج البلاغه یاد کرده، در این گزینش انواع سخنان امام (ع) در همه رشته‌ها و شاخه‌های گفتارش را آورده و ترجمه بسیار گسترده فراهم کرده و در این کار بلیغ‌ترین نمونه‌ها را برگزیده و مجموعه فراهم کرده که از نظر غنای محتوایی بی مانند است.

شریف رضی در تمام مواردی که خطبه، سخن، نامه، وصیت نامه و سفارشی را نقل کرده، با آوردن حرف «مِنْ» مشخص کرده که مطلب را به طور کامل نقل کرده و گزیده‌ای از آن را آورده است. در بخش خطبه‌ها، به جز پنج مورد، یعنی سخن‌های شماره ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۷۰، ۷۱ و ۲۰۷ که به طور کامل نقل شده، در بقیه موارد با تعبیر: مِنْ خطبه له علیه السلام، مِنْ کلام له علیه السلام، و مِنْ دعاء له علیه السلام، مشخص شده که قسمتی از مطالب آمده است؛ و در بخش نامه‌ها، به جز موارد ۱۵ و ۱۶ که کامل نقل شده، بقیه موارد با تعبیر: مِنْ کتاب له علیه السلام، و مِنْ وصیه له علیه السلام، مِنْ عهد له علیه السلام، مِنْ حلف له علیه السلام آمده که نشان دهنده گزیده بودن آنهاست. در بخش حکمت‌ها، شریف رضی

حرف «مِنْ» را به کار نبرده است، زیرا آن چه نقل کرده، خود بیانگر حکمتی و سخنی کوتاه است و گزیده از آن معنا ندارد.

شریف رضی در گزینش خویش براساس روش فقه الحدیثی خود آن چه را آورده به صحت صدور آن اطمینان داشته است، هرچند در هر کار بشری احتمال خطا وجود دارد.

نکته مهم دیگر در گزینش های شریف رضی آن است که وی چنان که خود در مقدمه خویش بر نهج البلاغه اشاره کرده، پیوستگی تاریخی مطالب را رعایت نکرده است، و بر این اساس حتی مواردی قسمت هایی از دو یا چند خطبه و سخن و گاه نامه امام (ع) را برگزیده و آنها را در کنار هم قرار داده و در یک خطبه یا سخن و نامه آورده است و به اصطلاح تقطیع و تنظیم از امام داده است.

شریف رضی در تنظیم این کتاب، آن را به سه بخش تقسیم کرده چنان که خود در مقدمه یادآور شده که: «استبانت من خاتمان آن حضرت بر گرد سه محور می گردد؛ نخست: خطبه ها و فرمان ها، دوم: نامه ها و بیانات ها، و سوم: کلمات حکمت آمیز و موعظه ها. پس ابتدا خطبه های شگفت، سپس نامه های زیبا و سانسجام حکمت ها و کلمات جالب را انتخاب کرده و هریک را در بابی مستقل قرار داده است و هرگاه به سخنی از آن حضرت دست یافته که جزو هیچ یک از این سه بخش نبوده آن را در مناسب ترین و نزدیک ترین باب قرار داده است.^۱ بدین ترتیب شریف رضی ۱۴ خطبه ۷۹ نامه، و ۴۸۹ حکمت را برگزیده و در نهج البلاغه آورده است.^۲ در نسخه ها و سروح ختانی نهج البلاغه این تعداد اندکی مختلف است و دلیل آن این است که برخی، یک خطبه و چند را در دو بخش نموده و گاهی دو خطبه و غیر آن را تحت یک عنوان و شماره ذکر کرده اند. همچنین در بخش حکمت ها شریف رضی پس از آوردن ۲۶۰ حکمت،^۳ فصلی از حکمت هایی گشوده است که غریب می نماید و نیازمند تفسیر است و در این فصل ۹ حکمت را که جدا شماره گذاری شده، آورده و تفسیر کرده و سپس به ادامه بخش حکمت هایی پرداخته است که نیازمند تفسیر نیست و با شماره ۲۶۱ به بعد مشخص شده است.

۱. همان، ص ۳۶.

۲. مطابق شماره گذاری نسخه دکتر صبحی صالح.

۳. مطابق همین شماره گذاری.

بدین ترتیب کتابی شگفت ظهور یافت که در آن والاترین اندیشه‌ها و معرفت‌ها، و نیکوترین سیرت‌ها و سلوک‌ها جلوه یافته و انسان را راه نموده و به بهترین مقصد و کمالات و زندگی هدایت کرده است.

نهج البلاغه از وجوه گوناگون کتابی شگفت است: واژه‌ها و مفردات، مرکبات، عبارات، بافت سخن و هندسه کلام، بلاغت بی‌مانند، موسیقی کلام، قوت و استحکام، لطافت و سحر بیان، معانی و معارف والا، وجوه متعدد کلام و محدود نبودن به یک زمینه خاص، تأثیرگذاری بر دل‌ها و نفوذ در جان‌ها، و راهگشایی در عرصه‌های گوناگون.

نهج البلاغه چشمه‌ای است از خورشید حقیقت که رایحه وحی الهی و شمیم کلام نبوی از آن استشمام می‌شود؛ کتابی که دربرگیرنده حکمت‌های متعالی، کمالات انسانی، روابط و مناسبات اجتماعی، جامعه‌شناسی، سیاست و قوانین راستین سیاسی، مواعظ نورانی، سلوک الهی، نظارت، ترقی، تمدن‌مدیریت و حکومتداری، سنت‌های تاریخی، راه و رسم زندگی، و عرفان حقیقی، بظلال اسلام لایقی است.

شریف رضی در تألیف گرانقدر خود «مطالب نقل شده از امیرمؤمنان علی (ع) را بدون ذکر اسناد آورده و نهج البلاغه از نظر حائنی «مُرسل» یعنی از سند رها شده است و وی جز در هفده مورد، آن‌هم به‌طور کلی، مطالب را مستقیماً از امیرمؤمنان علی (ع) نقل کرده و سلسله راویان را حذف کرده است، زیرا او در مقام تألیف کتابی فقهی یا گردآوری احادیث در حوزه احکام و امور شرعی نبوده است، بلکه همان‌طور که خود وی در مقدمه نهج البلاغه تصریح کرده در پی آن بوده است که کتابی تألیف کند که شگفتی‌های بلاغت و نمونه‌های ارزنده فصاحت و بی‌نظیری معارف امام علی (ع) در آموزه‌های دینی و دنیوی را نشان دهد که در هیچ کتابی جمع‌آوری نشده و در هیچ نوشته‌ای تمام جوانب آن نیامده است.^۲ همچنین اعتبار شخصیتی و علمی شریف رضی مایه اعتماد به کاری است که وی انجام داده است.^۳ شأن نهج البلاغه نیز چنان است که خود حجت و دلیل صحت و راستی خویش است.^۴

۱. سیری در نهج البلاغه، ص ۴-۵.

۲. نهج البلاغه، مقدمه شریف الرضی، ص ۳۴.

۳. نک: نقد الزجال، ص ۳۰۳؛ امل الامل، ج ۲، ص ۲۶۲؛ مصادر نهج البلاغه و آسانیده، ج ۱، ص ۸۷.

۴. نک: مدارک نهج البلاغه و دفع الشبهات عنه، صص ۱۹۳-۱۹۹.

آفتاب آمد دلیل آفتاب

گر دلیلت باید از وی رو متاب^۱

درباره نهج البلاغه هیچ سندی گویاتر و محکم‌تر از الفاظ و معانی آن نیست و نهج البلاغه خود برترین شاهد صحت صدور آن - در مجموع - از امیرمؤمنان علی (ع) است. البته بسیاری از عالمان کتاب‌هایی با عنوان استناد نهج البلاغه، مدارک نهج البلاغه، اسناد نهج البلاغه، و مصادر نهج البلاغه تألیف کرده و تلاش کرده‌اند تا منابع و اسناد نهج البلاغه را در این آثار گرد آورند.^۲ قسمت‌هایی از نهج البلاغه دارای سندهایی متصل و قابل اطمینان سندی است، و چنانچه قسمت‌های دیگر در کنار این قسمت‌ها قرار داده شود، به وضوح برای هرکس که اهل دقت نظر و شناخت سبک سخن باشد، روشن می‌گردد که نهج البلاغه در مجموع دارای یک سبک است و از یک منبع صادر شده است.^۳ بنابراین در اعتبار سندی نهج البلاغه می‌توان گفت که این کتاب دارای اعتبار محتوایی، اعتبار ادبی، اعتبار سندی، اعتبار تاریخی بوده و در انتساب مطالب آن - در مجموع - به امیرمؤمنان علی (ع) هیچ تردیدی نیست.

۳. روش‌های مطالعه و تحقیق نهج البلاغه

به منظور مطالعه و تحقیق نهج البلاغه و سیر در معارف الای آن و بهره‌مندی و راهگشایی، می‌توان به یکی از سه روش زیر یا ترکیبی از آن‌ها عمل کرد:

۱. روش ترتیبی

۱. مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۱۱۶.

۲. مدارک نهج البلاغه و دفع الشبهات عنه، از هادی کاشف الغطاء؛ مصادر نهج البلاغه فی مدارک نهج البلاغه، از سید هبة الدین حسینی شهرستانی؛ استناد نهج البلاغه، از امتیاز علیخان عرشی؛ مصادر نهج البلاغه و آسانید، از سید عبدالزهره حسینی خطیب؛ مدارک نهج البلاغه، از عبدالله نعمه؛ پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه، از سید محمد مهدی جعفری؛ بررسی نهج البلاغه و اسناد آن، از سید جواد مصطفوی؛ بحث کوتاه پیرامون نهج البلاغه و مدارک آن، از رضا استادی؛ پرتوی از نهج البلاغه، از سید محمد مهدی جعفری؛ و مستند نهج البلاغه، از سید محمد حسین حسینی جلالی.

۳. نک: شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، صص ۲۰۵-۲۰۶؛ ج ۱۰، صص ۱۲۷-۱۲۹؛ نهج البلاغه از کیست؟، صص ۲۳-۲۶؛ پرتوی از نهج البلاغه مصطفوی، ص ۱۶۵.

۲. روش تجزیه‌ای

۳. روش موضوعی

روش ترتیبی

هدف از این روش مرور و غوری است به ترتیب از ابتدای نهج البلاغه تا انتهای آن و بررسی ترتیب خطبه‌ها و سخنان، نامه‌ها و مکتوبات، حکمت‌ها و کلمات قصار آن حضرت، همان‌که شارحان بزرگ نهج البلاغه بدین روش نهج البلاغه را شرح کرده‌اند، چونان: طبرانی، ابوالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به فرید خراسان، درگذشته به سال ۵۶۵ هجری در معارج نهج البلاغه؛ قطب‌الدین ابوالحسن سعید بن هبة الله بن حسن راوندی معروف به صاحب روضه، درگذشته به سال ۵۷۳ هجری، در منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه؛ ابوالحسن محمد بن حسین بیهقی نیشابوری معروف به قطب‌الدین کیدری، از عالمان بزرگ شیعه قرن ششم در حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه؛ علی بن ناصر سرخسی، از عالمان بزرگ قرن ششم، در اعلام نهج البلاغه؛ عزالدین عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید معتزلی، درگذشته به سال ۶۵۶ هجری، در شرح نهج البلاغه؛ کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، درگذشته به سال ۶۷۹ هجری، در شرح نهج البلاغه؛ مولی فتح‌الله کاشانی، درگذشته به سال ۹۸۰ هجری، در تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین؛ میرحسین‌الله بن محمد خویی، درگذشته به سال ۱۱۲۴ هجری، در منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه.

این شارحان بزرگ و گرانقدر هر یک با توجه به بینش و گرایش خود از منظری به نهج البلاغه نگریسته‌اند و هر یک به شرح و تفسیر و جوهی از این مجرعه پرداخته و با توجه به نوع دیدگاه خود برخی از جنبه‌ها را گسترده‌تر مطرح کرده‌اند.

سخنان امیرمؤمنان علی (ع) دارای وجوه گوناگون و جلوه‌ها و جاذبه‌های مختلف است و برای درک مفیدتر و همه‌جانبه آن بهتر است آن سخنان از زوایای مختلف و جهات گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گیرد، از جمله از جنبه‌های:

۱. لغت و ادب و بلاغت

۲. قرآنی

۳. تاریخی

۴. اجتماعی و سیاسی

۵. حقوقی

۶. اعتقادی

۷. فلسفی و عرفانی

۸. تربیتی و تعلیمی

۹. روانشناسی فردی و اجتماعی

۱۰. اقتصادی و مالی

۱۱. حکم متی و مدیریتی

۱۲. فقه

۱۳. تفسیری

۱۴. جنبه اخلاقی

و از جوانب دیگر که هر بخش از کلام امام (ع) دارای جنبه‌هایی از موارد ذکر شده و ذکر نشده است.

روش تجزیه‌ای

در این روش، بخشی یا جزئی از نهج البلاغه یا برخی خطبه‌ها و سخنان، یا نامه‌ها و مکتوبات، یا حکمت‌ها و کلمات قصار گزینش می‌شوند و مورد بررسی و شرح قرار می‌گیرند. این روش همانند روش ترتیبی است، با این تفاوت که بخشی یا جزئی مورد بررسی و شرح واقع می‌شود. طبیعی است که آن بخش یا جزء را می‌توان از جنبه‌ها و جهات مختلف مورد تأمل و دقت قرار داد، از آن درس آموخت و از آن نهایت یافت. مزیت عمده این روش آن است که می‌توان خطبه، نامه، یا حکمت مورد نظر را مطالعه و غور کرد و زمانی طولانی برای مرور نیاز نیست، در حالی که مرور و مطالعه ترتیبی زمان بسیار می‌طلبد.

روش موضوعی

در این روش، موضوعی خاص مورد نظر قرار می‌گیرد و به نهج البلاغه عرضه می‌شود و تمامی مطالبی که مستقیم یا غیر مستقیم، موضوع مورد نظر را تبیین می‌کند، به صورت یک

مجموعه بررسی می‌شود و دسته‌بندی می‌گردد و از آموزه‌های امام بیرون از نهج البلاغه نیز برای فهم بهتر آن کمک گرفته می‌شود. سپس جمع‌بندی آن مطالب ارائه می‌گردد. بدین ترتیب می‌توان مباحث مختلف تربیتی، اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... را مورد بررسی قرار داد. از مزیت‌های این روش آن است که کم‌تر دچار پراکندگی موضوعی می‌شود و می‌توان به جمع‌بندی در موضوعی خاص دست یافت و جوانب مختلف یک موضوع را مورد بررسی قرار داد و تبیینی نسبتاً کامل درباره یک موضوع انجام داد. با این روش می‌توان به نظریات و دیدگاه‌های امام علی (ع) - تجسم اسلام ناب و جامع - درباره موضوعی خاص پی برد و با روش و سیره آن حضرت در موضوعات مورد نظر آشنا شد. در این روش سازمان و موضوع امام (ع) - که از موارد گوناگون استخراج می‌شود - یکدیگر را معنا و تفسیر می‌کنند. جهت صحیح را در برداشت از نهج البلاغه نشان می‌دهند، زیرا نهج البلاغه مجموعه‌ای یک‌رچه - یکپارچه واحد است که سراسر آن هماهنگ، و ابتدا و انتهای آن یکسان است؛ به بیان ابن ابی‌الحدید معتزلی:

«اگر کسی با تأمل و دقت در نهج البلاغه بیندیشد، همه آن را آبی زلال از یک سرچشمه، برخوردار از یک روح و جوهر را دارای یک طرز و سبک می‌یابد، عیناً مانند جسمی ساده و بسیط که هیچ جزء آن در ماهیت با دیگر اجزاء اختلافی ندارد؛ همانند قرآن کریم که اول آن چون وسط آن، و وسط آن مانند آخر آن است، و همه سوره‌ها و کل آیات آن در سرچشمه و روش و طریقه و فن و سیاق و سبب مانند هم و یکسان و یکپارچه‌اند.»^۱

این ویژگی بی‌نظیر و شگفت نهج البلاغه، زمینه لازم را برای مراجعه موضوعی و مطرح کردن درد و مشکل، و گرفتن درمان و راه‌حل، آماده ساخته است. البته در روش موضوعی از آثار انجام یافته به دو روش دیگر بی‌نیاز نیستیم و آن‌ها به عنوان ابزارهای کمکی این روش را یاری می‌دهند.

۴. روش تألیف کتاب حاضر

کتاب حاضر در مقام تحلیل خارج‌گیری، آشوب خوارج و جنگ نهروان با تکیه بر

نهج البلاغه است. از این رو نکاتی چند در آن لحاظ شده است.

۱-۴. در سرتاسر مباحث کتاب، مطالب نهج البلاغه محور قرار داده شده و به روش تشکیل خانواده حدیث و خبر، با تنقیح مطالب حدیثی و تاریخی، مطالب نهج البلاغه تکمیل و آموزه‌های آن دسته‌بندی و تدوین شده است.

۲-۴. در تمام مباحث، نهج البلاغه و آموزه‌های امام علی (ع) در موضوعات مطرح شده، به صورت برجسته و متن اصلی کتاب آمده است تا متن نهج البلاغه و خانواده حدیث و خبر آن در منظر و مرا قرار گیرد.

۳-۴. با توجه به این که شریف رضی در تألیف نهج البلاغه، در مقام هماهنگی و نظم تاریخی و برستگی میان سخنان نبوده، چنان‌که خود در مقدمه نهج البلاغه بدان اشارت کرده است، به منظور فهم بهتر نهج البلاغه، تلاش شده است هماهنگی، نظم تاریخی و پیوستگی میان سخنان امام علی (ع) و آموزه‌های نهج البلاغه در مباحث مطرح شده در زنجیره تاریخی خود قرار گیرد.

۴-۴. از قواعد مهم فهم نهج البلاغه، توجه به منابع و اسناد، جغرافیای سخن، سبب صدور، تاریخ ایراد، مخاطب، موضوعات و اهداف آن است که در کتاب لحاظ شده است.

۵-۴. شریف رضی در تألیف نهج البلاغه، به تقطع و تنظیم مطالب دست یازیده و آموزه‌های امام علی (ع) را فقط گزینش نکرده، بلکه در موارد متعدد قسمت‌هایی از آموزه‌های امام (ع) را از دو یا چند خطبه و سخن برگزیده و به سلسله خود در کنار هم قرار داده است. بی‌توجهی به این امر، موجب بدفهمی آموزه‌های امام (ع) و تحلیل نادرست از آن‌ها می‌شود. در تألیف حاضر - در چارچوب مباحث کتاب - این کار انجام داده و یک هریک در جای خود آمده است. به عنوان نمونه، شریف رضی در کلام «مطابق نسخه دکتر صبحی صالح» از سه سخن امام (ع) در دوره غارات (دوره شیخون‌های قاسطین) قطعاتی را برگزیده و در کنار هم قرار داده و به صورت یک سخن تنظیم کرده است. قطعه نخست آن متعلق است به سخنی درباره شیخون ضحاک بن قیس فهری به کاروان حاجیان در ثعلبیه، در ذی حجه سال ۳۸ هجری؛ قطعه دوم درباره شیخون نعمان بن بشیر انصاری به عین‌التمر، به سال ۳۹ هجری؛ و قطعه سوم درباره شیخون بُسَربن ابی‌ارطاط به حجاز و یمن، به سال ۴۰ هجری.

۶-۴. عمده مطالب نهج البلاغه متعلق است به دوره حکومت امام علی (ع).^۱ از این رو شناخت آن چه در این دوران گذشته است، پیشینه صدور عمده مطالب نهج البلاغه را روشن می سازد، و کتاب در مقام تبیین این امر نیز است.

۷-۴. شریف رضی در سبک تألیف خود، گزینشی عمل کرده و با نگاه زیبایی شناسی بی نظیر خود، بلیغ ترین آموزه های امام علی (ع) را انتخاب نموده و در نهج البلاغه آورده است. به منظور فهم بهتر مطالب نهج البلاغه لازم است تا حد ممکن، این مطالب بدون اعمال سلیقه، تکمیل شود که در چارچوب مباحث کتاب این کار صورت گرفته است.

۸-۴. نهج البلاغه و شماره گذاری آن برگرفته از نسخه دکتر صبحی صالح است که نسخه مشهور و بیچ جوان امروز است. ولی با توجه به این که نسخه مذکور و دیگر نسخه های چاپی دارای اشراط و تصحیفاتی است، نسخه های خطی زیر مبنای تصحیح این نسخه قرار گرفته و در مواردی که چایی دکتر صبحی صالح اصلاح شده است:

۱. نسخه ای به خط حسین بن حسن مؤدب، به تاریخ ۴۶۹ هجری، موجود در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، به صورت عکسی چاپ شده است.

۲. نسخه کتابخانه شخصی سید علی اسی به تاریخ ۴۸۳ هجری، که فقیه سهل بن امیر رقاق با خط حسن بن یعقوب بن احمد قباله کرده است. این نسخه در مرکز احیای میراث اسلامی قم بوده و به صورت عکسی چاپ شده است.

۳. نسخه کتابخانه آیه الله گلپایگانی، به تاریخ ۶۲۴ هجری به صورت حروفچینی چاپ شده است.

۹-۴. شریف رضی در باب بندی نهج البلاغه، آن را به سه باب سه باب، نامه ها و حکمت ها تقسیم کرده، ولی آن چه در این سه باب آورده است، هر خطبه، نامه، و حکمت نیست، بلکه چنان که خود در مقدمه نهج البلاغه تصریح کرده، در گزینش خویش به مطالبی رسیده است که نه خطبه، نه نامه، و نه حکمت بوده است، پس آن مطالب را در نزدیک ترین باب - از نظر ساختار و محتوا - قرار داده است. با این توجه، ترکیب بخش

۱. عمده مواردی که متعلق است به پیش از حکومت امام (ع) عبارت است از: در بخش خطبه ها، شماره های: ۵، ۶۷، ۷۴، ۷۷، ۹۲، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۶۴، ۲۰۲، ۲۲۸، ۲۳۵ و ۲۴۰؛ در بخش نامه ها، شماره های: ۶۸ و ۷۴؛ و در بخش حکمت ها: شماره های: ۱۹۰، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۹۲، ۳۱۷.

خطبه‌ها چنین است:

۱۲۴ خطبه، ۱۰۹ کلام، ۴ دعا، و ۴ قول.

ترکیب بخش نامه‌ها چنین است:

۶۳ نامه، ۱۰ وصیت‌نامه، دو عهدنامه، یک دعا، یک حلف، یک قول، و یک کلام. بدیهی است در ارجاع‌دهی متن نهج‌البلاغه، به این امر توجه شده و مطابق آنچه شریف رضی خود در آغاز هر مطلب قید کرده، عنوان‌دهی صورت گرفته است. اگر آن را خطبه خوانده، با قید خطبه ارجاع‌دهی شده و اگر آن را کلام خوانده، با همین قید ارجاع داده شده است؛ و همچنین در بقیه موارد.

۴-۱۰. مناسی که مطالب مرتبط به حکومت امام علی (ع) در آن‌ها آمده، متنوع است. به جز منابعی که به طور اختصاصی درباره امام علی (ع) نوشته شده، مطالب مرتبط به زندگی و تاریخ حکومت امام (ع) در منابع تفسیری، حدیثی، تاریخی، کلامی، فقهی و جز این‌ها دیده می‌شود؛ و تلاشی شده مجرای و عه آثاری که در این باره درخور توجه است، دیده و از آن استفاده شود.

۵. عنوان کتاب

عنوان کتاب (دامگه شیطان) برگرفته از آموزه‌های امام علی (ع) در تبیین حرکت خوارج و عملکرد تنگ‌نظرانه و خشونت‌بار آنان است، چنان که فرمود:

«همانا شما بدترین مردم‌اید. شما تیرهایی هستید در دستش. آن که از وجود شما برای زدن نشانه خود استفاده می‌کند، و به وسیله شما مردم را در حیرت و تردید و گمراهی می‌افکند.»^۱

همچنین پس از فرونشستن نبرد نهروان، امام (ع) درباره آنان فرمود:

«بدا به حال شما! آن که شما را فریفته گرداند، زیانتان رساند. [گفته شد: ای امیرمؤمنان! که آنان را فریفت؟ گفت:] شیطان گمراه‌کننده، و نفس‌های به بدی فرمان‌دهنده؛ آنان را فریفته آرزوها ساخت، و راه را برای نافرمانی‌شان پرداخت؛ به پیروز کردنشان وعده داد، و به آتش‌شان درآورد.»^۲

۱. نهج‌البلاغه، کلام ۱۲۷.

۲. همان، حکمت ۳۲۳.

تاریخ حکومت امیرمؤمنان علی (ع) لوح بینایی، و راه و رسم، سبک زندگی و حکومتش، میزانی روشن برای همیشه تاریخ است که او به واقع «میزانِ میزان‌ها» است.

تو ترازوی آحد خو بوده‌ای

بل زیانه هر ترازو بوده‌ای^۱

امید است که در پرتو آنچه آمده است، تصویری روشن از بخشی از حکومت امام علی (ع) و راه و رسم او، ارائه شده باشد.

والکمال لله وحده